خبر

## شبکه ورزش سراغ «سرنوشت» رفت

مستند «سرنوشت» با گویندگی ۲۱ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل سیما دوبله شد. این مستند ورزشی محصول انگلیس در سال ۲۰۲۳ قرار است از شبکه ورزش سیما پخش شود.مدیر دوبله این مستند بهروز علی‌محمدی و صدابرداری آن به عهده سعید عابدی بوده است. شیلا آژیر، رضا آفتابی، دانیال الیاسی، شهراد بانکی، علی بیگ‌محمدی، ارسلان جولایی، امیر حکیمی، افشین زی‌نوری، لادن سلطان‌پناه، شایان شامبیاتی، ابوالفضل شاه‌بهرامی، مریم شاهرودی، پریا شفیعیان، سعید شیخ‌زاده، میلاد فتوحی، شروین قطعه‌ای، امیربهرام کاویانپور، نسرین کوچک‌خانی، علی منانی، علی همت مومیوند و بهروز علی‌محمدی صداپیشه‌های این اثر بوده‌اند.این مستند درباره لیونل مسی است که موفق شد جام جهانی را بالای سر ببرد. یک مستند ورزشی که سوژه‌اش که همانا لیونل مسی است به‌سختی نیازی به معرفی دارد و به‌خاطر همین موضوع می‌تواند برای دوستداران فوتبال بسیار جذاب و دیدنی باشد.واحد جست‌وجوی اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل و شبکه ورزش، مسئولیت رصد این اثر را بر عهده داشته و پس از طی مراحل تایید و تخصیص، نسخه اصلی را تهیه و تأمین کرده و اکنون پس از طی شدن روندهای ترجمه، ویراستاری و سپس دوبله، قرار است پس از آماده‌سازی از شبکه ورزش، برای مخاطبان پخش شود.

### درگفت‌وگوی «جام جم» با جلال‌الدین دری، نویسنده و کارگردان مطرح شد

# تقلید؛ آفت دیالوگ‌نویسی تاریخی

عاطفه کربلایی
گروه رسانه

دیالوگ‌نویسی یکی از اصلی‌ترین پایه‌های هر اثر نمایشی از جمله سریال است که اهمیت این مقوله در سریال‌های تاریخی دوچندان می‌شود، چون این کار باید به‌گونه‌ای انجام شود که هم حال‌وهوای مقطع زمانی داستان را به بیننده منتقل کند و هم برای مخاطب عام قابل فهم باشد. دیالوگ سریال‌های تاریخی به دو شیوه نوشته می‌شود؛ یکی به روش محاوره‌ای و نزدیک به زمان حال و دیگری نزدیک به زبان کتابت کتاب‌های تاریخی. هرکدام از این شیوه‌ها طرفداران خاص خود را دارد. با توجه به اهمیت دیالوگ‌نویسی در سریال‌های تاریخی با جلال‌الدین دری که علاوه بر کارگردانی و تهیه‌کنندگی، سابقه نگارش آثار تاریخی «سرگشته»،«رازهای ناگفته خورشید پیرالموت»،«نرگس مست»،«از نفس افتاده»و... را در کارنامه دارد، درباره دیالوگ‌نویسی سریال تاریخی به گفت‌وگو نشستیم؛ البته در این میان پای همراهی بازیگران در دیالوگ‌گویی سریال‌های تاریخی و طراحی صحنه و لباس این آثار نیز به میان آمد.

**با توجه به سابقه‌ای که در نگارش سریال‌های تاریخی دارید. چه ویژگی‌هایی را برای دیالوگ‌نویسی سریال‌های تاریخی در نظر می‌گیرید؟**

یکی از مهم‌ترین پایه‌های جذابیت هر کار نمایشی اعم از فیلم، نمایشنامه و سریال «دیالوگ» است. دیالوگ اصل بسیار مهمی است که متاسفانه فراموش شده و کارها بیشتر به سمت اسب‌سواری، جنگ و خون و خونریزی یعنی کار اکشن رفته است. فکر می‌کنند جذابیت در این شیوه کار نهفته است، در صورتی که اصلا این طور نیست.

اگر سراغ کار تاریخی معاصر هم برویم، ترور و تیراندازی و خون و خونریزی و خشم می‌بینیم، یعنی یک اصل مهم در نگارش فیلمنامه‌های ما فراموش شده و آن هم دیالوگ است.

دیالوگ در وهله اول باید «نمایشی» باشد، یعنی اگر ما دیالوگ دراماتیک و نمایشی بنویسیم تاثیر آن از هر چیزی بیشتر است. یک گفت‌وگوی درست در یک سکانس صدها برابر بیشتر از یک صحنه عظیم جنگی برای جذب مخاطب و شهرت آن کار، کاربرد دارد ولی متاسفانه اول از همه بلد نیستیم دیالوگ دراماتیک بنویسیم. من خودم همیشه تلاش کرده‌ام در کارهایی که می‌نویسم این اتفاق بیفتد؛ چه کار تاریخی، چه غیرتاریخی، چه نمایشنامه و چه فیلمنامه. در نمایشنامه این ویژگی خیلی برجسته‌تر است. بسیاری از افرادی که در دیالوگ‌نویسی موفق بوده‌اند، معمولا سابقه نمایشنامه‌نویسی هم داشته‌اند.

متاسفانه بنا به هزار و یک علت، شاید راحت‌طلبی، نویسنده، کارگردان و حتی بازیگران سعی می‌کنند دیالوگ‌های هر مقطع تاریخی روزمره باشد و واقعا به ورطه روزمرگی افتاده‌اند؛ یعنی به حد سلام، چطوری؟ چه خبر؟ رسیده است. چرا کاراکتر باید بگوید: سلام! چطوری؟ چه خبر؟ آن یکی هم بگوید: سلام! مرسی؟ تو خوبی؟ چرا در یک فیلم یا سریال ۱۰۰ بار سلام‌علیک و خداحافظی می‌بینیم؟ این دیالوگ‌ها چه نقشی در پیشبرد قصه دارد؟ کلا همه هنرهای نمایشی درگیر روزمرگی شده است.

**سریال‌های تاریخی چطور؟**

در بحث دیالوگ سریال‌های تاریخی دو مطلب مهم مطرح است؛ یکی این‌که نویسنده باید زبان آن مقطع تاریخی که قصه سریال در آن می‌گذرد را پیدا کند. بحث خیلی عمده‌ای درباره تفاوت ادبیات گفتاری و نوشتاری ما مطرح است. امروزه این تفاوت آن قدر محسوس نیست که در ۸۰ یا ۱۰۰ یا ۵۰۰ سال گذشته بوده است اما وقتی ما سراغ یک کار فاخر در زمان قدیم می‌رویم، چطور می‌شود که صحنه و لباس و گریم و وسایل نقلیه را بر اساس کتاب‌های موجود به صورت قدیمی آراسته می‌کنیم ولی وقتی به دیالوگ می‌رسد، همه می‌خواهند جابزنند؟ علت این است که سایر موارد مربوط به فردیت شخص است. به عنوان نمونه طراح صحنه، دکوری را آماده می‌کند و بازیگران درون آن بازی می‌کنند اما همه با دیالوگ درگیر هستند.

متن، راهنمای همه می‌شود؛ طراح صحنه، طراح لباس و ... باید از روی آن بخوانند، کارگردان و بازیگر هم باید آن را بخوانند. در این شرایط همه می‌گویند متن باید ساده باشد، امروزی باشد، مردم نمی‌فهمند، مردم به گوش‌شان آشنا نیست؛ چرا؟ چون سختی مواجهه با آن برای بقیه عوامل هم هست. در واقع سختی وجود ندارد و فقط مقداری تلاش برای حفظ کردن و سواد نیاز دارد اما برخی نمی‌خواهند زیر بار بروند. نویسنده زحمت کشیده و این دیالوگ‌ها را نوشته ولی بقیه می‌خواهند از زیر بار آن شانه خالی کنند و دیالوگ‌ها را سهل و ساده کنند تا کار خودشان سهل و ساده شود. ممکن است نویسنده‌ای هم به خودش زحمت نوشتن دیالوگ متناسب با فضای سریال را ندهد. اصلا این کار را بلد نباشد. چون برای رسیدن به زبان مناسب سریال باید تحقیق کند. برای این‌که اگر بخواهد فیلمنامه‌ای درباره زمان سلجوقیان بنویسد باید کتاب‌های آن دوران را بخواند؛ نه این‌که همان کتاب‌ها را تبدیل به دیالوگ کند بلکه آهنگ و ریتم کلام و نوشتار را تبدیل به محاوره‌ای نزدیک به آن مقطع تاریخی کند. این کار سخت است. حالا باید آن ادبیات، ریتم و آهنگ کلام را نمایشی نیز کند؛ یعنی دیالوگ دراماتیک بنویسد. این دومین سختی دیالوگ‌نویسی برای سریال تاریخی است.

این کار چون سخت است، به‌راحتی کنار گذاشته می‌شود. برخی نویسنده‌ها برای نوشتن دیالوگ تحقیق نمی‌کنند بلکه از سریال‌های دیگر کپی می‌کنند؛ یعنی می‌بینند آقای فتحی، حاتمی و ... چه‌جوری دیالوگ نوشته‌اند. چهار کلمه که در ذهن می‌مانند را برمی‌دارند، تلاش می‌کنند دیالوگ‌های همه سریال را با همان چند کلمه قدیمی کنند. مثلا از «حکما» و «قسم» در دیالوگ‌ها استفاده می‌کنند و فکر می‌کنند با این روش دیالوگ برای سریال تاریخی نوشته‌اند، در صورتی که با این چند کلمه نمی‌توان متن تاریخی نوشت.

برخی سازندگان این‌گونه سریال‌ها در طراحی صحنه هم اقدام مشابهی انجام می‌دهند. به عنوان نمونه در دکور سریال دیگری مشغول فیلمبرداری می‌شوند، بدون آن که توجه کنند در مقطعی که داستان می‌گذرد، شیشه وجود نداشته، چه برسد به این‌که رنگی باشد! یا مثلا در سریالی که داستانش در سال ۷۰ هجری می‌گذرد، کتابی در صحنه قرار داده شده است که کاغذ و جلد گالینگور دارد، در حالی که در آن مقطع تاریخی کاغذ وجود نداشت و روی پوست می‌نوشتند. مثلا در سریال سلطان سلیمان ساخته کشور ترکیه جزو وسایل صحنه کره زمین امروزی بود. بعد از حدود ۵۰ قسمت فهمیدند که غلط است و آن را برداشتند.

**با این‌که معتقدید دیالوگ‌های سریال‌های تاریخی باید با توجه به زمان وقوع داستان نوشته شود، سریال‌هایی داشتیم که با زبان نزدیک به امروزی نوشته شدند و مورد استقبال قرار گرفتند، مثل تنهاترین سردار و ولایت عشق. نظر شما چیست؟**

زمانی که آقای فخیم‌زاده سریال‌های تنهاترین سردار و ولایت عشق را ساخت اولین تجربه‌های سریال‌سازی درباره موضوعات تاریخی صدر اسلام بود، آقای فخیم‌زاده کارگردان خوب، کاربلد و آشنا به سینماست ولی چه بهتر بود نویسنده‌ای که بلد بود دیالوگ تاریخی بنویسد، در کنار ایشان بود و آنچه ایشان می‌خواست را به دیالوگ‌های دراماتیک نمایشی تاریخی برگردان می‌کرد. متاسفانه دیالوگ‌نویسی یکی از ضعف‌های سریال‌های تنهاترین سردار و ولایت عشق بود.

از طرف دیگر یکی از نقدهای من زمان پخش تنهاترین سردار و ولایت عشق این بود که این سریال‌ها بیش از آن‌که محتوامحور باشد بیشتر حاوی صحنه‌هایی مثل اسب سواری هستند؛ یعنی از محتوای اصلی فاصله گرفته‌اند.

امام علی (ع) نیز یکی از اولین سریال‌های مذهبی-تاریخی ما بود. بعضی دیالوگ‌های این سریال ماندگار شد که برخی از آنها مدیون زنده‌یاد حسین پناهی است و به صراحت نوشته شده که او در این زمینه کمک کرده است. اگر به «هملت» اشاره شود، همه اعم از مرد و زن و پیر و جوان در همه جای دنیا دیالوگ «بودن یا نبودن» یادشان می‌آید. در واقع دیالوگ مطرح‌تر از خود اثر شده است یا در فیلم‌های آقای حاتمی خیلی جاها دیالوگ از اثر ماندگارتر شده است. زمانی که حاتمی در فیلم حاجی واشنگتن می‌نویسد: آیین چراغ خاموشی نیست. این وصف آن‌قدر زیبا، پرمحتوا و بامعناست که مانند یک شعر است و به‌صورت مجزا برای خودش کارکرد دارد.

**برای نوشتن دیالوگ سریال سرگشته را که درباره صدر اسلام بود و از شبکه قرآن پخش شد، متون قدیمی را مطالعه و به زبانی رسیدم و بر اساس آن دیالوگ‌ها را نوشتم. علاوه بر آن هر کاراکتری بسته جایگاه و ویژگی خود از کلمات خاصی استفاده می‌کرد**

سریال بازی تاج و تخت (Game Of Thrones) پر از دیالوگ‌های دراماتیک و نمایشی است و در هر قسمت دست کم سه چهار دیالوگ ناب دارد. هرچه در فصل‌های بازی تاج و تخت به سمت جادو و جادوگری پیش رویم، سریال افت می‌کند اما در فصل‌های اول سریال نمایش تلویزیونی بود تا تاریخی و این قسمت‌ها مردم را جذب کرد و باعث شد بقیه‌اش ساخته شود. هرچه به سمت جلوه‌های بصری و نمایشی رفت، سریال افت کرد بنابراین وضعیت دیالوگ‌نویسی سریال‌های تاریخی مختص ایران نیست بلکه در همه جای دنیاست.

**به نظر شما تشتت در دیالوگ‌های یک سریال تاریخی از چه عواملی نشأت می‌گیرد؟**

این مشکل ممکن است متوجه نویسنده نباشد. برای نوشتن دیالوگ سریال سرگشته که درباره صدر اسلام بود و از شبکه قرآن پخش شد، متون قدیمی را مطالعه و به زبانی رسیدم و بر اساس آن دیالوگ‌ها را نوشتم. علاوه بر آن هر کاراکتری بسته به جایگاه و ویژگی خود از کلمات خاصی استفاده می‌کرد. یکی از بازیگران سر صحنه، سرخود دیالوگ‌ها را امروزی می‌کرد. مثلا او می‌گفت: برو ببین توی میدون چه خبره؟ و دوستش می‌گفت: در میدان شهر دیدم شخصی را بر دار زدند. زمانی که من سریال را در میز مونتاژ دیدم، جا خوردم. به کارگردان گفتم: آقا این چی می‌گه؟ من کی نوشتم برو ببین توی میدون چه خبره؟ کارگردان گفت بازیگر زیر بار نمی‌رفت که دیالوگ‌ها را بر اساس متن بگوید. من تلفن بازیگر را گرفتم و به او اعتراض کردم و از او خواستم به جای خودش در اتاق دوبله حرف بزند. آمد و چند تا از دیالوگ‌های خیلی امروزی را دوبله کرد ولی زیر بار بقیه دیالوگ‌ها نرفت.

آن زمان خیلی از یکدست نبودن زبان دیالوگ‌های سریال انتقاد شد و من به روزنامه جام جم گفتم نویسنده‌ای که برای کاراکتر مقابل یک شخصیت با ادبیات خاصی دیالوگ نوشته آیا نمی‌توانسته برای سایر نقش‌ها به زبان معیار دیالوگ بنویسد. زمانی که در یک سریال یک یا دو بازیگر به‌گونه دیگری عمل می‌کنند، مشکل از کارگردان است.

حتی در جلسه دورخوانی این سریال همه بازیگران متفق‌القول می‌خواستند دیالوگ‌ها را امروزی بگویند. آن زمان سریال مختارنامه در حال پخش بود. من گفتم یکی از مشکلات سریال مختارنامه، دیالوگ‌هایی است که گاهی بیرون می‌زند. مثلا یکی از کاراکترها می‌گوید: «باغت آبادانگوری.» این دیالوگ را از کجا آوردی؟ این ضرب‌المثل تهرونی است. این سؤال مطرح می‌شود (با خنده) آیا اعراب آن زمان انگور دیده یا خورده بودند یا نه؟ در جلسه دورخوانی گفتم اگر می‌خواهید در سریال تاریخی دیالوگ امروزی بگویید به جای اسب، موتور سوار شوید.

برای خواندن متن کامل گفت‌وگو کیوآرکد را اسکن کنید

درنگ

### دیالوگ‌نویسی تاریخی، زحمت دارد

**به گفته دری، دیالوگ‌نویسی تاریخی نیاز به پژوهش دارد. او به جام‌جم می‌گوید: این‌گونه دیالوگ‌نویسی زحمت دارد. باید ممارست داشته باشید. من به علت علاقه‌ام، متون قدیمی را زیاد خوانده‌ام. اگر قرار باشد دوباره کاری بنویسم، حتما به منابعم مراجعه می‌کنم مثل تاریخ بیهقی، تاریخ عطاملک جوینی، مقامات حمیدی. نمی‌گویم شاهکار می‌نویسم ولی تلاش می‌کنم درست دیالوگ تاریخی بنویسم. برای من و امثال من دیالوگ‌نویسی تاریخی به یک پوئن منفی تبدیل شده است و به ما سخت‌نویس می‌گویند یا می‌گویند پز سوادش را می‌دهد.**

رویداد

## انتشار فراخوان جشنواره «صبح»

دومین جشنواره بین‌المللی رسانه‌ای صبح به دبیری محسن یزدی در سه بخش برگزار می‌شود و فراخوان آن منتشر شد.

این جشنواره به دبیری محسن یزدی در سه بخش اصلی، معاونت برون‌مرزی و ویژه فلسطین برگزار می‌شود و آخرین مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار آن ۲۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۳ خواهد بود.

**الف. بخش اصلی**

بخش اصلی جشنواره بین‌المللی صبح اختصاص به تمامی هنرمندان و فعالان رسانه‌ای داخل و خارج از ایران دارد و در سه گروه اصلی برنامه تلویزیونی، رادیویی و رسانه‌های جدید برگزار می‌شود. همچنین آثار تلویزیونی باید با زیرنویس انگلیسی ارائه شوند.

درونمایه آثار این بخش باید با محوریت «رسانه و نظم نوین جهانی» مبتنی بر ارزشمندی هویت‌های محلی و منطقه‌ای، معنویت‌گرایی و اقتدار فرهنگی، اصالت خانواده، گفتمان مقاومت و استکبارستیزی باشد.

**ب. بخش معاونت برون‌مرزی**

در این بخش تنها تولیدات معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما در سه گروه تلویزیونی، رادیویی و رسانه‌های جدید امکان شرکت و رقابت دارند. در این بخش محدودیت زبانی و زیرنویس وجود ندارد و اثر تولیدشده با هر زبان و زیرنویسی امکان ثبت‌نام و ثبت اثر دارد.

**ج. بخش ویژه فلسطین**

بخش ویژه فلسطین که در دوره اول جشنواره بخش جنبی این رویداد بود، در این دوره با توجه به اتفاقات منطقه و تحولات به‌وجودآمده بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر به بخش‌های اصلی جشنواره اضافه شد.

شرکت‌کنندگان در داخل و خارج از ایران می‌توانند آثار مرتبط با موضوع فلسطین را در شاخه‌های فیلم سینمایی، سریال، موشن‌گرافی و انیمیشن کوتاه، گزارش خبری تلویزیونی، پوشش خبری، برنامه تلویزیونی، کلیپ و نماآهنگ، فیلم مستند، فیلم کوتاه، خبرنگار ـ شهروند (جایزه شهدای خبرنگار غزه)، تصویرسازی، پادکست و محتوای مکتوب (شامل یادداشت، مقاله و گزارش تحقیقی) ارسال کنند.

این رویداد بین‌المللی پایان اردیبهشت‌ماه با برگزاری کارگاه‌های تخصصی و اختتامیه و تقدیر از برگزیدگان هر بخش به کار خود پایان می‌دهد. پوستر، بروشور و تیزر فراخوان این جشنواره که نشست خبری آن مدتی پیش برگزار شد، منتشر شده است.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت جشنواره به آدرس sobhfestival.com/fa مراجعه کنند.

ویژه

## محمد دلاوری، مجری برنامه افطار

همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان، ویژه‌برنامه افطارگاهی «هلال» با اجرای محمد دلاوری، مجری نام‌آشنای تلویزیون، از شبکه یک سیما پخش خواهد شد.

برنامه هلال در گروه اجتماعی شبکه یک سیما تولید می‌شود و با حضور مهمان‌هایی از ملیت‌های مختلف، دریچه‌ای به سبک زندگی مسلمانان جهان اسلام در ماه امت باز می‌کند و پیوندهای مشترک امت اسلامی را از دل قصه و سرگذشت مهمان‌ها به تصویر می‌کشد.

ویژه‌برنامه هلال، در روزهای ماه مبارک رمضان، حوالی ساعت ۱۷ روی آنتن خواهد رفت.

تولید

## سری جدید «چل پله زیر زمین» آماده نمایش شد

تولید فصل سوم سریال انیمیشن چل پله زیر زمین به کارگردانی علیرضا طاهری به پایان رسید. پس از استقبال کودکان از دو فصل ابتدایی سریال انیمیشن چل پله زیر زمین، محصول مرکز انیمیشن سوره، به نویسندگی نسیم خراشادی‌زاده و کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا طاهری، سری جدید این اثر تولید شد و به‌زودی روی آنتن رسانه ملی می‌رود. فصل سوم این اثر اپیزودیک با تکنیک دوبعدی رایانه‌ای و در ژانر کمدی فانتزی-آموزشی برای مخاطب کودک ساخته شده است. در سری جدید چل پله زیر زمین علاوه بر هشت شخصیت «کوشا»، «دکتر تور»، «گردوله»، «بادکنک»، «خُرخُف»، «زیپی»، «کُلَنجَک» و «ویزی» سه شخصیت دیگر اضافه شدند که عبارتند از: «روشا»، «کَلَک» و «فضولچه». این سریال انیمیشن در دو فصل ابتدایی قصه شخصیتی به نام کوشا را روایت کرد که در باغ‌موزه‌ای محرمانه در مرکز یکی از کویرهای ایران توسط دانشمندی به نام دکتر تور استخدام می‌شود تا از موجوداتی عجیب‌وغریب نگهداری کند. در فصل سوم دکتر تور و گروه قهرمانی سفرهایی را با کشتی پرنده خود به نام «چرخ و فلک» به سراسر ایران دارند تا با مشکلات زیست‌محیطی و جاذبه‌های گردشگری و تاریخی آشنا شوند.

زاویه

## «خانه ما» ترویج زندگی فقیرانه نیست

کارگردان مستند مسابقه خانه ما با اشاره به انتقاداتی که نسبت به مباحث مالی این مسابقه می‌شود بیان کرد که برنامه، بنایی بر ترویج زندگی فقیرانه ندارد. حامد وقاری، کارگردان مستند مسابقه خانه ما درباره چالش‌های ساخت این مسابقه و جلوی دوربین رفتن افراد عادی گفت: شرکت‌کنندگان این برنامه بعد از اعلام فراخوان هر فصل در سایت برنامه ثبت‌نام می‌کنند و بعد از مصاحبه و گزینش نهایی موفق به حضور جلوی دوربین خانه ما می‌شوند. تیم تولید برنامه به واسطه رضایتی که این خانواده‌ها برای حضور در برنامه دارند، چالشی برای حضور آنها در مقابل دوربین ندارد، اما بازی گرفتن از آنها و تبدیل کردنشان به خود واقعی‌شان در مقابل دوربین به زمان احتیاج است.

وقاری افزود: ما در خانه ما ترویج فقر و زندگی فقیرانه نمی‌کنیم، بلکه فقط در یک بازه زمانی با یک بودجه محدود و چالش‌های مختلف می‌خواهیم خلاقیت خانواده‌ها در مواجهه با این شرایط و چالش‌های پیش روی‌شان را به نمایش بگذاریم و به هیچ عنوان قصد نداریم ترویج یا تبلیغ این نکته که «می‌توان ماهانه با یک مبلغ محدود سه یا پنج میلیون تومان زندگی را گذراند» نداریم.

خاطرات کاغذی

## «کانن»، پسر آینده

**مریم فلاح: این کارتون شاد و مهیج در جهانی خیالی روایت می‌شد؛ زمانی که جنگ‌جهانی ویرانگر دنیا را به نابودی کشانده بود و بقایای این نبرد زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کرد. قهرمان داستان ما بی‌خبر از این دردسرها در جزیره دور افتاده‌ای برای خودش خوش می‌گذراند. کانن، پسرک نوجوانی بود که با پدربزرگش در جزیره‌ای دور افتاده زندگی می‌کرد و از درگیری‌های دنیا بی‌خبر بود، البته همان‌طور که از همه داستان‌های ماجراجویانه انتظار می‌رود این زندگی آرام و بی‌دردسر دوامی نیاورد و با ورود لانا، دختری همسن و سال پسرک همه چیز تغییر کرد. او از جامعه پیشرفته‌ای از خارج جزیره می‌آمد که تمدن ایندااستریا نام داشت. لانا واقعیت دنیای بی‌رحم پس از جنگ را زیر سلطه حکومت ایندااستریا و رهبر ستمگر آن، لپکا برای‌شان تعریف می‌کند و می‌گوید که لپکا در طمع قدرت بیشتر در جست‌وجوی منابع باقی‌مانده انرژی در دنیاست و این‌گونه کانن تصمیم می‌گیرد در سفری همراه لانا به او کمک کند تا پدر بزرگ دانشمند لانا که به‌دلیل دانشش در مورد انرژی خورشیدی توسط ایندااستریا ربوده شده را نجات دهند.**

کیوآرکد را اسکن کنید